

تأملی بر نظر مشهور پیرامون اقتدا در رکوع امام

رضا پورصدقی، نویسنده مسئول، استاد حوزه و دانشگاه و مدیر گروه اصول مرکز
فقهی ائمه اطهار(ع)، قم، ایران. رایانامه: rezapoorsedghi@gmail.com
فهیمة روح الهی، دانش پژوه و پژوهشگر جامعة الزهراء(س)، قم، ایران. رایانامه:

fahime194@gmail.com

فهیمة موثق، دانش پژوه جامعة الزهراء(س)، قم، ایران. رایانامه:

f.mowasagh@gmail.com

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: 1404-02-27

تاریخ بازنگری: 1404-04-08

تاریخ پذیرش: 1404-05-06

تاریخ انتشار برخط: 1404-05-11

چکیده

یکی از مباحث مورد اختلاف در نماز جماعت، تکلیف مأموم در حالتی است که در هنگام رکوع امام به وی اقتدا می‌کند، اما پیش از رسیدن مأموم به رکوع، امام سر از رکوع برمی‌دارد. این اختلاف نظر موجب سردرگمی مأمومین و ایجاد برخی چالش‌ها و شبهات در بین نمازگزاران می‌گردد. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در این خصوص پنج دیدگاه عمده وجود دارد: ۱. تخییر میان نماز فرادی و حالت انتظار؛ ۲. تخییر میان فرادی، انتظار و تبعیت؛ ۳. تخییر میان فرادی و تبعیت؛ ۴. بطلان نماز؛ ۵.

تعیّن حالت انتظار. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیدگاه مشهور که بر تخییر میان فرادی و انتظار تأکید دارد، قوت کافی ندارد، زیرا حالت انتظار با تبعیت عرفی در مفهوم جماعت هم‌خوان نیست. از آن‌جاکه اقتدا مستلزم پیروی مأموم از امام در افعال نماز است، در فرض مورد بحث، اگر مأموم تصمیم به ادامه نماز جماعت داشته باشد، باید از امام تبعیت کند و همراه او به سجده رود. بررسی روایات نیز این برداشت از مفهوم اقتدا را تأیید می‌کند. بنابراین، در چنین حالتی مأموم یا باید نیت فرادی کند و یا در صورت ادامه نماز جماعت، همراه امام سجده‌ها را انجام دهد، هرچند این رکعت جزو نماز او محسوب نمی‌شود. با توجه به ادله مذکور، دیدگاه تخییر میان فرادی و تبعیت با توجه به مفهوم اقتدا و مستندات روایی، از استواری بیشتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: اقتدا، ائتمام، تبعیت عرفی، نماز جماعت، صلات جماعت.

پیشینه
از انتشار

مقدمه

نماز جماعت از مناسک مهم عبادی است که از ابتدای اسلام ذهن‌ها و جان‌های مسلمانان را به خود مشغول کرده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نحوه انجام و فروع آن نیز به دلیل اهمیت خود آن اهمیت یافته و تا حد قابل توجهی مورد توجه مجتهدین بوده است ولی ابتلای عمومی مردم و توجه فقها به احکام نماز جماعت هیچ‌گاه راه بررسی‌های فقهی نسبت به فروع آن را نبسته و همچنان برخی از فروع آن نیازمند کاوش‌های دقیق علمی است. از فروعی که در رساله‌های عملیه و کتب فقهی مورد توجه قرار گرفته ولی به نظر می‌رسد همچنان نیازمند بررسی است اقتدا در حالتی است که امام در حال رکوع است و عدم رسیدن مأموم به حالت رکوع بعد از خروج امام از حالت رکوع است. در این حالت بعد از اقتداء و تکبیر مأموم، امام از رکوع بر می‌خیزد و باید مشخص گردد تکلیف مأموم چیست آیا نماز وی به دلیل عدم درک نماز جماعت فرادی است یا می‌تواند به امام ملحق گردد؟ در صورت دوم نحوه الحاق به چه صورتی است؟

با توجه به اینکه نظریه‌ی رایج «تخیر بین فرادی و انتظار» — که بر اساس آن مأموم مجاز است در حالت انتظار باشد بدون تبعیت از امام — با ماهیت واقعی اقتدا در نماز جماعت ناسازگار است، پژوهش حاضر به بررسی عمیق و ریشه‌ای این مسئله پرداخته است.

این موضوع، با وجود جنبه‌ی عملی و کاربردی آن، با عنایت به آراء و نقدهای موجود فقها به صورت جامع مورد بحث قرار نگرفته است. از سوی دیگر، این تحقیق نقطه‌ی شروعی برای ورود پژوهش‌های علمی به مباحث اجتهادی در حوزه‌ی عبادات، به ویژه نماز جماعت، محسوب می‌شود؛ چرا که با مراجعه به مقالات و مجلات علمی، مشخص می‌شود آثار شایسته‌ای در این زمینه تولید نشده است. امید است این پژوهش، به یاری خداوند متعال، گامی نو در گسترش پژوهش‌های فقهی در این حوزه باشد.

فقها در کتب فقهی، ضمن بررسی مسائل مربوط به نماز جماعت، به صورت گذرا به این موضوع اشاره کرده‌اند. همچنین، برخی تحقیقات مستقل به مفهوم تبعیت در نماز جماعت پرداخته‌اند، اما عمدتاً به صورت کلی و بدون تحلیل عمیق این مسئله. به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- جمال‌الدین جمال، ۱۴۰۰، در پایان‌نامه (شرایط، احکام و آثار نماز جماعت از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه، رشته الهیات و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، واحد گرگان)، تبعیت مأموم از امام را در نماز جماعت واجب دانسته است.

۲- فریبا زندی، ۱۴۰۲، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (احکام و شرایط نماز جماعت در فقه اهل سنت، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه کردستان)، تبعیت مأموم از امام را واجب تلقی نموده و در

این خصوص چنین نتیجه گرفته است: «اختلاف نظر فقها در افعال تبعیت به قواعد و قوانین مدون فقه و اصول برمی گردد».

۳- علی علیزاده، ۱۴۰۱، در پایان نامه کارشناسی ارشد (نماز جمعه و نماز جماعت از منظر قرآن و روایات، رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، دانشگاه مجازی المصطفی)، حالات تحقق تبعیت در نماز جماعت را بررسی نموده و در خصوص تبعیت واجب در افعال نماز چنین آورده است «تبعیت نکردن از امام در افعال اگر سهوی باشد ایرادی ندارد اما اگر بطور عمدی تابع امام نباشد، نماز چنین شخصی اشکال دارد».

با توجه به بررسی ها و جست و جوی های گسترده نگارندگان در پایگاه های اطلاعات علمی و منابع پژوهشی معتبر، مقاله ای مستقل و منسجم که به طور خاص به بررسی حکم تبعیت مأموم از امام جماعت در فرض عدم ادراک رکوع پرداخته باشد، یافت نگردید. آثار موجود عمدتاً به صورت پراکنده و اجمالی به مفهوم تبعیت در نماز جماعت اشاره کرده اند، بی آنکه ابعاد فقهی و اصولی مسئله مذکور را به صورت نظام مند و با تکیه بر منابع اربعه و مبانی اصولی تحلیل و تبیین نموده باشند. این خلأ پژوهشی ضرورت پرداختن به این مسئله را با نگاهی اجتهادی، تطبیقی و مسئله محور ایجاب می نماید. به ویژه آن که در شرایط کنونی با افزایش شمار نمازگزارانی که در لحظات پایانی رکعت به جماعت ملحق می شوند، تبیین حکم فقهی چنین فرضی، نقشی بسزا در رفع ابهام و پاسخ گویی به نیازهای نوپدید فقهی خواهد داشت. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر حکم خاص «عدم ادراک رکوع» در قالب تبعیت مأموم، گامی نو در توسعه فقه عبادات محسوب می گردد.

در این تحقیق ابتدا مفهوم اقتدا در ذیل واژه ائتمام مورد بررسی قرار می گیرد و سپس فتوای مختلف همراه با قائلین و ادله آنان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم شناسی ائتمام

واژگانی نظیر «ائتمام، اقتدا و تبعیت» واژگانی هستند که دارای اشتراک مفهومی و معنایی هستند لذا در این گفتار، معانی واژگان مذکور را تبیین خواهیم نمود.

- ائتمام

واژه «ائتمام» از ریشه عربی «أ ت م» (أتم) گرفته شده که به معنای «کامل کردن»، «تکمیل کردن»، یا «پیروی کامل» است (ابن منظور، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۹۹). در لغت، ائتمام به معنای تبعیت و پیروی کامل از شخصی دیگر است (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶۶۰)، به گونه ای که عمل ناقص را با پیروی از او کامل سازد.

در منابع معتبر فقهی به دلیل وضوح معنای صلاه جماعت و همچنین عدم وجود معنایی متمایز از معنای

عرفی از واژگانی چون اتمام نوعاً تعریف خاصی ارائه نشده و به همان لغوی و واضح عرفی اکتفا شده است (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۷، ص: ۴۰۰) شاید تنها عبارتی که در کلام فقها به معنای اتمام اشاره دارد این عبارت از کلام علامه در قواعد است که می‌فرماید اگر شخص بدون نیت (اقتدا) پیروی کند نماز باطل است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۱۵) که تعبیر پیروی کردن در این عبارت همان معنای اقتدا است که البته باید با نیت تبعیت از امام انجام شود و الا باطل است.

آنچه از ارتکاز متشرعین و همچنین اوصاف و شرایطی که در کتب فقهی برای نماز جماعت بیان شده به خوبی فهمیده می‌شود که «اتمام» به معنای پیروی کامل مأموم (نمازگزار پیرو) از امام جماعت در نماز است. این اصطلاح شامل همگامی مأموم با امام در افعال نماز (مانند رکوع، سجود، و قیام) و نیز پرهیز از سبقت گرفتن بر امام است. اتمام شرایط خاصی دارد، از جمله:

- نیت پیروی از امام.

- همزمانی یا تأخیر اندک افعال مأموم نسبت به امام. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۱۰)

گاه «اتمام» با «اقتداء» مترادف شمرده می‌شود، اما برخی فقها تفاوت قائلاند: اقتداء نیت پیروی از امام است و اتمام اجرای عملی تبعیت در افعال نماز. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۱۱)

در نتیجه اتمام در نماز جماعت، هم در لغت به معنای تکمیل عمل از طریق پیروی است و هم در اصطلاح فقهی، به تبعیت عملی مأموم از امام اشاره دارد.

- اقتدا

اقتداء در لغت به معنای انجام عملی بسان عمل فردی دیگر به قصد تأسی است (ابن منظور، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۰۳). به اقتداکننده «مقتدی» و به رفتار او «اقتداء» و به اقتداشونده «مقتدابه» گفته می‌شود. تاج العروس به نقل از جوهری قدوه را «اسوه» معنا کرده است. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۶۷) پس اقتدا به معنای الگو گرفتن و پیروی کردن است.

اقتدا در اصطلاح در دو معنا بکار رفته است:

اقتداء در نماز به معنای تبعیت مأموم از امام جماعت در افعال نماز است. به عبارت دیگر ارتباط بین نماز مأموم و نماز امام است که در شرع، دارای احکام و شرایط خاص به خود می‌باشد.

- تبعیت

در لغت به معنای پیروی نمودن و تابع بودن آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۸۹؛ ابن منظور، ج ۱، ص ۶۰۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۸۰).

تبعیت در فقه در موارد متعددی به کار برده شده؛ تبعیت در طهارت (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۰۲) تبعیت در نجاست (ایروانی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۴۳) تبعیت در اسلام و کفر (بحرانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص

۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۴۴): تبعیت فرزند نابالغ از پدر یا مادر خود در اسلام (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۸، ص ۱۸۳) تبعیت در ملکیت (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۴، ص ۲۳۷): تبعیت معادن و رویدنی‌ها یا دیگر اجزای یک قطعه زمین از مالکیت زمین. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۵۵) تبعیت در استیطان (عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۴۱) تبعیت زن از شوهر و خدمتکار از مخدوم. (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۴۲)

یکی از کاربردهای واژه «تبعیت» در نماز جماعت می‌باشد، که در این معنا، پیروی کامل مأموم از امام جماعت مراد است.

در خصوص کاربرد این واژه در نماز جماعت دو احتمال وجود دارد:

الف: احتمال دارد وجوب تأخر مأموم از امام باشد.

طبق این احتمال، همراهی و مساوقت مأموم با امام جائز نیست؛ چون همراهی و مساوقت مأموم با امام به معنای عدم تأخر مأموم از امام است.

ب: احتمال دارد بگوییم که جایز نیست مأموم بر امام مقدم شود. طبق این احتمال، همراهی و مساوی بودن مأموم با امام جائز است.

طبق این معنای اصطلاحی، بحث تبعیت در حقیقت از جایز بودن و جایز نبودن همراهی و مساوی بودن مأموم با امام می‌باشد.

با محفوظ و حفظ کردن این مقدمه، در کلام قدمات معنای تبعیت بیان نشده و در کلام قدمات فقط بر واجب بودن تبعیت تأکید شده است.

محقق حلی در مختصر گفته است: واجب است تبعیت کردن از امام و اگر از روی فراموشی از امام سبقت گرفت باید برگردد و همراه امام شود و اگر عمدی باشد، ادامه دهد. (حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۷) ابن زهره در الغنیه گفته است: و یلزم المؤتم عزما و فعلا. برای مأموم لازم است در افعال به امام اقتدا کند. (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۸۸)

با تأمل در این عبارات می‌توان گفت که منظور از تبعیت در تحقیق حاضر عدم تقدم مأموم بر امام است.

۲. آراء و اقوال

بر اساس وجوب تبعیت مأموم از امام جماعت در افعال نماز، در فرضی که امام در حالت رکوع قرار گرفته و مأموم در صدد است رکوع امام را درک کند ولی بعد از اقتدا و تکبیر به رکوع امام نرسید محل اختلاف فقهاست؛ مراجعه به حاشیه عروه به خوبی اختلافات را نمایان می‌سازد؛ ۱. تخیر بین فرادی و انتظار تا رکعت بعد امام؛ ۲. بطلان نماز ۳. فقط انتظار ۴. تخیر بین فرادی و تبعیت (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۳۶) ۵. فقط فرادی (یزدی طباطبایی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۵۸)؛ مجموع دیدگاهایی است

که در ذیل عبارت سید یزدی از کلمات محشین بدست می‌آید.

۲،۱. دیدگاه تخییر بین فرادی و انتظار

اولین دیدگاهی که اکثریت فقهای شیعه بدان قائلند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۵۷؛ عاملی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۴۷۵) و مبنای اکثر مکلفین و مؤمنین قرار گرفته این دیدگاه است که نمازگزار در فرض مسئله مخیر است که نماز خود را به صورت فرادی ادامه دهد یا منتظر بماند تا در رکعت بعد به نماز جماعت ملحق گردد. (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵)

وجه فرادی شدن نماز این است که اقتضای تبعیت از امام این است که مأموم رکوع امام را درک کند و در صورتی که رکوع درک نشود صدق اقتدا نخواهد کرد در نتیجه نماز به صورت فرادی خواهد شد شیخ طوسی می‌نویسد: زمانی به امام اقتداء نماید که امام در رکوع است و به رکوع امام نرسد، طبق وجوب تبعیت از امام جماعت، مأموم نمازش فرادی می‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۵۹) از نظر مرحوم حکیم جواز انفراد بی‌اشکال است هر چند ما اجازه نیت انفرادی بعد اتمام را قبول نداشته باشیم؛ زیرا در این فرض جماعت منعقد نشده است بنابراین از ابتدا منفرد بوده است. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۸)

مرحوم حائری یزدی فرادی شدن نماز را مطابق قاعده می‌داند و می‌نویسد: دلیل این امر این است که شخص وظیفه جماعت را انجام نداده است. (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵) نسبت به لزوم تبعیت مأموم از امام تردیدی نیست؛ محقق عبدالاعلی سبزواری گفته است: «إنه المنساق من البناء علی الاقتداء و الائتمام و الجماعة عرفاً». (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۵۱) و محقق خویی نیز در مسئله عدم جواز جلو افتادن از امام می‌نویسد: «لزوم تبعیت کردن مقتضای مفهوم اقتدا کردن و لازمه امام بودن امام است و احتیاجی به ورود نص در این مقام نیست؛ زیرا مأموم بودن و اقتداء کردن عرفاً با تبعیت معنا و تقوم پیدا می‌کند و مقدم شدن بر او در افعال با این عنوان منافات دارد». (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۹) لذا می‌توان با توجه به کلام فقها در فهم عرفی از واژه‌های «اقتدا» و «ائتمام» گفت که در فهم عرفی، مأموم بودن به معنای تبعیت کامل در افعال نماز از امام جماعت می‌باشد و لازمه عدم تحقق ائتمام، فرادی شدن نماز است.

نسبت به انتظار نیز استدلال‌هایی از طرف فقها مطرح شده است؛

۱. صدق عرفی جماعت. طبق همین استدلال مرحوم امام انتظار را به دلیل صدق عرفی جماعت مشروط به عدم کند بودن امام جماعت می‌داند؛ چرا که در غیر این صورت انتظار از مفهوم عرفی جماعت خارج خواهد بود. (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۸) البته مرحوم حکیم این نکته را اضافه کرده اند که این مسئله از مخترعات شرعی است و عرف متشرعین در آن معیار است

نه عرف عام. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۸)

۲. استدلال به قیاس اولویت به این بیان که همانگونه بعداً خواهد آمد در برخی از روایات اقتدا به امام بعد از رکوع به این صورت است که شخص تکبیر بگوید و با امام به سجده رود. در این صورت اگر داخل شدن به نماز جماعت به همراه انجام دو سجده که خود رکن حساب می‌گردد جایز باشد پس بدون اضافه کردن رکن به طریق اولویت صحیح خواهد بود.

۳. صحیح‌ه عبدالرحمن عن ابی عبدالله علیه السلام: «... إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِدًا فَاتَّبِعْ مَكَانَكَ حَتَّى يَرْفَعَ رَأْسَهُ وَ إِنْ كَانَ قَاعِدًا قَعَدْتَ وَ إِنْ كَانَ قَائِمًا قُمْتَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۸۲) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «... اگر امام را در حال سجده یافتی، در جای خود بایست (و مستقیماً به سجده نرو) تا زمانی که سر از سجده بردارد و اگر نشسته بود تو هم بنشین و اگر ایستاده بود تو هم بایست.»

در این روایت نیز حضرت از همراهی با امام جماعت در حالت سجده منع فرموده و حکم به انتظار داده‌اند.

۴. موثقه عمار عن ابی عبد الله علیه السلام: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ جَالِسٌ بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ قَالَ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ وَ لَا يَقْعُدُ مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى يَقُومَ.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷۳) در این روایت که موثقه و معتبر است عمار می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: درباره مردی که در نماز (جماعت)، امام را در حال نشسته پس از دو رکعت درک کند. حضرت فرمودند: «نماز را آغاز کند (با تکبیر الاحرام)، ولی همراه امام ننشیند تا وقتی که امام (برای رکعت بعدی) بلند شود.»

بر این اساس که حالت نشسته بودن امام بعد از دو سجده خصوصیت خاصی ندارد و تفاوتی ندارد که امام در حال سجده است یا تشهد یا نشسته و در نتیجه طبق این روایت در فرض مسئله، مأوم باید در هر یک از این حالات صبر کند تا امام برای رکعت بعدی برخیزد و سپس با او همراه شود.

اینکه فقها این روایت را حمل بر جواز کرده‌اند (حلی (محقق)، ۱۴۰۷، ج ۲، ص: ۴۴۷) منافاتی با استدلال و برداشت فوق ندارد و در هر صورت (اعم از وجوب انتظار یا جواز انتظار و جواز نشستن) جواز انتظار به این روایت قابل استناد خواهد بود.

۲/۱/۱. نقد و بررسی دیدگاه تخییر بین فرادی و انتظار

دیدگاه تخییر بین فرادی و انتظار مورد نقد برخی از بزرگان قرار گرفته است. آقای فیاض این دیدگاه را دیدگاهی بدون دلیل ذکر می‌کند و می‌نویسد: تخییر بین فرادی یا انتظار دلیلی ندارد علاوه بر اینکه

نماز در این حالت به صورت فرادی صحیح است نه جماعت؛ چرا که اگر در حالت ایستادن منتظر بماند و در رکعت بعدی به امام اقتدا کند: اگر آن را رکعت اول خود حساب کند، خلاف فرض است (چون رکعت قبلی را از دست داده است) اگر آن را رکعت دوم خود در نظر بگیرد (با این فرض که رکعت اول قبلاً انجام شده)، این به معنای آن است که نماز را ابتدا فرادی شروع کرده و سپس به اقتدا پیوسته، که این کار مشروع نیست و دلیلی بر صحت آن وجود ندارد. (فیاض، بی تا، ج ۳، ص ۴۷۵)

اشکال ایشان قابل پاسخ است؛ چرا که ایرادی که ایشان به فرض اول مطرح کرد وارد نیست زیرا دلیل اینکه او باید رکعت اول خود حساب کند دقیقاً به این دلیل است که رکعت قبل امام را درک نکرده و به همین دلیل باید این رکعت را رکعت اول خود به شمار آورد و مانعی از این لحاظ نیست و باز ایرادی که به فرض دوم مطرح کرده نیز وارد نیست زیرا اینگونه نیست که شخص ابتدا نمازش را فرادی و سپس جماعت کند بلکه انتظار وی به دلیل این بوده که نیت جماعت کرده و الا انتظار چه توجیهی داشت.

مرحوم حائری یزدی نیز می نویسد: در مورد باقی ماندن بر اقتدا تا رکعت بعدی، اگر مستند آن صدق عرفی جماعت باشد، اشکال وجود دارد؛ زیرا اکتفا کردن به صدق عرفی برای این مفهوم مبتنی بر اثبات اطلاق در ادله جماعت است که در آن منع وجود دارد و اگر مستند آن دلیل خاصی باشد، منبع خاصی برای آن یافت نشد. بله، عمار روایت کرده که گفت: از امام صادق (ع) درباره مردی که امام را در حال نشستن پس از دو رکعت درک کرده، پرسیدم، حضرت فرمودند: نمازش صحیح است و نباید همراه امام بنشیند تا وقتی که امام برخیزد. اما این روایت مختص به مورد خاص خود است و شامل این مسئله نمی شود. (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵)

به نظر می رسد اگر مراد مرحوم حائری یزدی اشکال به حالت انتظار باشد اشکال وارد است ولی اگر حتی در صورت تبعیت مأوم از امام در عین حال حکم به بطلان جماعت داده باشند این سخن صحیحی نخواهد بود که در ادامه مفصل بیان خواهد شد.

مرحوم آقای خویی نسبت به انتظار می گوید: چنین راهی مشکل است؛ زیرا خلاف قاعده است و ائتمام نیز به صرف قصد محقق نمی شود ائتمام متقوم بر تبعیت است در حالی که حسب فرض شخص تبعیت نمی کند و دلیلی بر بخشیده شدن به این مقدار وجود ندارد و دلیل و نص معتبر و حتی غیر معتبری نیز نسبت به صحت چنین اقتدایی وجود ندارد. (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۶)

قیاس اولویت به روایاتی که اقتدا بعد از رکوع را اجازه داده اند نیز مخدوش است؛ زیرا اقتضای ائتمام و تبعیت این است که شخص از امام تبعیت کند و این مسئله ربطی به انتظار که عملاً عدم تبعیت از امام است ندارد و حتی دال بر رد آن است.

روایت عبدالرحمن از امام صادق علیه السلام که در آن حضرت فرمودند: «إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِدًا فَائْتُبْ مَكَانَكَ» از نظر سند صحیح و معتبر است ولی مرحوم آقای خوئی آن را از نظر دلالت برای اثبات مدعا ناکافی می داند؛ زیرا «فائتُبْ مکانک» اعم از داخل شدن در نماز است و ممکن است صرف ایستادن و انتظار و نشستن و برخاستن بعد از آن مراد باشد. (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۸) ولی به نظر می رسد این ایراد وارد نیست؛ زیرا بعید است حضرت بدون داخل شدن در نماز امر به ایستادن یا نشستن همراه امام کند بنابراین ظاهر روایت ائتمام و داخل شدن در نماز است. بلکه اشکال استناد این مدعا به این روایت از این ناحیه است که چگونه می توان انتظار را به این روایت مستند کرد در حالی که حضرت در این روایت می فرمایند اگر امام را نشسته یافتی بنشین این به خوبی حاکی از این نکته است که حضرت حکم به تبعیت از امام در هر حالی داده الا در حالتی که امام را در حال سجده درک کند که در این صورت اگر اقتدا کند باید منتظر خروج امام از حالت سجده گردد. حاصل آنکه طبق این روایت در فقط در یک حالت شخص باید حالت انتظار داشته باشد و آن وقتی است که اقتدا در حالت سجده امام باشد.

در روایت موثقه عمار نیز که حضرت اجازه ندادند مأموم در حالت نشسته با امام جماعت همراه شود احتمال می رود علت حکم حضرت به عدم نشستن این است که امام در معرض بلند شدن برای رکعت بعدی است و مؤید این نکته تعبیر «جَالِسٌ بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ» است که ناظر به حالتی است که امام دو رکعت را به صورت کامل انجام داده است علاوه بر این، حالت مذکور فاقد عملی از نماز است که مأموم تا رکعت بعدی با امام همراهی کند و در نتیجه انتظار، عدم پیروی از امام جماعت محسوب نمی گردد. اشکال دوم اینکه به مضمون این روایت فتوایی دیده نمی شود. (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص: ۳۱۸) اشکال دیگری که مطرح است این است که در روایات متعددی در فرض اقتدا بعد از رکوع مأموم امر به سجود شده است و امکان جمع عرفی بین این روایات وجود دارد و جمع عرفی این است که در حالت خاصی که موضوع این روایت شخص می تواند منتظر رسیدن حضرت باشد ولی در خارج از این حالات اعم از اینکه امام قبل از سجده است یا در حالت سجده باید به روایات موجود دیگر مراجعه گردد بنابراین نحوه جمع عرفی مرحوم حکیم که جمع عرفی را حمل بر تخییر بین انتظار و تبعیت کرده (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۸) محل اشکال است.

۲،۲. دیدگاه تخییر بین نیت فرادی، انتظار و تبعیت از امام

از کلمات برخی چنین استفاده می شود که مکلف می تواند در فرض بحث علاوه بر اینکه نیت فرادی کند یا انتظار بکشد از امام تبعیت کرده و به سجده رود این تبعیت جزو رکعت اول او به شمار نمی رود. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۰۷؛ ترحینی عاملی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۵۲۷) نیت فرادی و انتظار در

دیدگاه سابق مورد بررسی قرار گرفت. راه سوم یعنی تبعیت از امام، مستند به روایات می‌باشد.

روایت اول

روایت شیخ طوسی از سند خود به معلى بن خنيس از امام صادق عليه السلام: «إِذَا سَبَقَكَ الْإِمَامُ بِرُكْعَةٍ فَأَدْرَكْتَهُ وَ قَدْ رَفَعَ رَأْسَهُ فَاسْجُدْ مَعَهُ وَ لَا تَعْتَدْ بِهَا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۸) حضرت در این روایت می‌فرمایند: اگر امام یک رکعت بر تو سبقت گرفت (یعنی وقتی تو وارد نماز شدی، امام در رکعت بعدی بود) و تو او را در حالی که سرش را از رکوع برداشته (یعنی به سجده می‌رود) درک کردی، با او به سجده برو و آن (رکعتی که کامل نکرده‌ای) را به حساب نیاور.

این روایت مورد توجه بسیاری از فقهاست و در مسئله درک امام بعد از رکوع مستند فقهی فقها قرار گرفته است. (برای نمونه رک: حلی، محقق، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۴۷؛ حلی، علامه، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۹۹) صاحب ریاض ضعف سند این روایت را با شهرت عظیم قریب به اجماع بلکه خود اجماع، جبران شده می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۹۳) میرزای قمی این روایت را صحیح دانسته است. (قمی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۲۰۸)

روایت دوم از امام باقر(ع) و امام صادق(ع):

در حدیثی از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) آمده است:

دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): "...وَ إِنْ لَمْ يُدْرِكْ حَتَّى رَفَعَ مِنَ الرُّكُوعِ فَلْيَدْخُلْ مَعَهُ وَ لَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الرُّكْعَةِ" (مغربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۹۳) «اگر مأموم، امام را درک نکرد مگر زمانی که امام از رکوع برخاسته است، باید به نماز جماعت بپیوندد، اما آن رکعت را به حساب نیاورد.»

این روایت مرسله است و به تنهایی قابل استناد نیست ولی می‌تواند به عنوان مؤید مورد توجه قرار گیرد این روایت بیان می‌کند که اگر مأموم زمانی به نماز جماعت برسد که امام از رکوع رکعتی برخاسته و در حال ایستادن است می‌تواند به نماز ملحق شود؛ اما آن رکعت برای او محسوب نمی‌شود. بر این اساس، درک رکوع نه شرط صحت اقتدای مأموم است و نه مانع از ورود به جماعت، بلکه تنها شرط محسوب شدن آن رکعت به حساب می‌آید. حال سوال این است که مراد حضرت از الحاق به نماز در این حالت چیست؟ صرف نیت تبعیت است یا علاوه بر آن تبعیت عملی نیاز است ظاهر روایت بر این است که مراد از الحاق تبعیت عملی از امام است.

روایت سوم

عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: «ثَلَاثٌ لَا يَدْعُهُنَّ إِلَّا عَاجِزٌ: رَجُلٌ سَمِعَ مُؤَذِّنًا لَا يَقُولُ كَمَا قَالَ، وَ رَجُلٌ لَقِيَ جَنَازَةً لَا يُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِهَا وَ يَأْخُذُ بِجَوَانِبِ السَّرِيرِ، وَ رَجُلٌ أَدْرَكَ الْإِمَامَ سَاجِدًا لَمْ يُكَبِّرْ وَ يَسْجُدُ وَ لَا يَعْتَدُ بِهَا» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۴۹۳)

این روایت از نظر سندی مرسله و ضعیف است. طبق آن امام علی (ع) فرمودند:

«سه کار است که تنها فرد ناتوان از انجام آن‌ها سر باز می‌زند:

۱. کسی که صدای اذان مؤذن را بشنود و همانند او اذان نگوید.

۲. کسی که با جنازه‌ای روبه‌رو شود اما به اهل آن سلام نکند و در حمل تابوت شرکت نکند.

۳. کسی که امام جماعت را در حال سجده دریابد، اما تکبیر نگوید و به سجده نرود؛ در این صورت، آن رکعت برای او محسوب نمی‌شود.»

در بخش مربوط به نماز جماعت، حضرت علی (ع) تصریح می‌کنند که اگر مأموم، امام را در حال سجده درک کند، باید با گفتن تکبیر به سجده برود و به نماز ملحق شود؛ با این حال، آن رکعت به دلیل عدم درک رکوع برای او محسوب نمی‌شود. این روایت نیز تأکید می‌کند که درک ناقص از رکعت؛ برای مثال، فقط رسیدن به سجده، مانع از پیوستن به جماعت نیست اما باعث می‌شود آن رکعت، کامل شمرده نشود در این روایت نیز حکم به تبعیت از امام جماعت شده است.

روایت چهارم

صحیح حلی از امام صادق (ع) «إِذَا أَدْرَكَتَ الْإِمَامَ قَدْ رَكَعَ فَكَبَّرْتَ وَ رَكَعْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَقَدْ أَدْرَكَتَ الرَّكْعَةَ فَإِنْ رَفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ تَرَكَعَ فَقَدْ فَاتَتْكَ الرَّكْعَةُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۸۲) حلی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «اگر به امام نماز رسیدی در حالی که او در رکوع است پس تکبیر بگو و رکوع کن قبل از آنکه امام سر از رکوع بردارد در این صورت آن رکعت را درک کرده‌ای. اما اگر امام سر از رکوع برداشت قبل از آنکه تو به رکوع بروی، آن رکعت از تو فوت شده است.»

این روایت که از نظر سندی صحیح و معتبر است (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۹۹) بر اساس این روایت، اگر مأموم قبل از بلند شدن امام از رکوع، به رکوع برسد، آن رکعت محسوب می‌شود. در غیر این صورت، آن رکعت را از دست داده است. آن چه از شخص در این حالت فوت شده شمارش رکعت است بنابراین اولاً نماز وی باطل نیست و همچنین شخص همچنان می‌تواند در نماز جماعت باقی بماند اقتضای بقاء بر نماز در این حالت تبعیت از امام جماعت می‌باشد.

روایت پنجم

معاویه بن شریح از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«إِذَا جَاءَ الرَّجُلُ... وَ مَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ سَاجِدٌ كَبَّرَ وَ سَجَدَ مَعَهُ وَ لَمْ يَعْتَدِ بِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۹۴) «هنگامی که شخصی (به نماز جماعت) برسد ... و اگر امام را در حال سجده درک کرد، تکبیر بگوید و همراه او به سجده برود ولی آن (سجده) به حساب رکعت نیست.»

این روایت از نظر آقای خویی به دلیل عدم توثیق معاویه بن شریح از قوت سندی برخوردار نیست. (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۸) ولی به نظر می‌رسد وی همان معاویه بن میسره بن شریح است که امامی و به واسطه نقل ابن ابی عمیر از وی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۱۴) نقل کرده است. این روایت بیان می‌کند که اگر مأوم هنگام پیوستن به جماعت، امام را در حالت سجده ببیند، می‌تواند تکبیره الاحرام گفته و بلافاصله به سجده برود. اما این سجده، جزء رکعت محسوب نمی‌شود یعنی مأوم باید پس از آن، رکعت را به صورت کامل (با قیام، رکوع و سجود) به جا آورد.

روایت ششم

صحیحہ ربعی و فضیل: «سَأَلْتَاهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى مَعَ إِمَامٍ يَأْتُمُّ بِهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَالَ فَلْيَسْجُدْ وَمَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَقَدْ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ فَلْيَسْجُدْ مَعَهُ وَلَا يَعْتَدَ بِذَلِكَ السُّجُودِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۸) مرحوم صدوق نیز همین مضمون را از فضیل نقل کرده است. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۹۶)

رُبَعی و فَضیل گفتند: از امام صادق (علیه السلام) درباره مردی که به امام جماعت اقتدا کرده و پیش از آن که امام سر از سجده بردارد، خود از سجده برخاسته است، پرسیدیم. حضرت فرمودند: باید دوباره به سجده برگردد و کسی که امام را هنگامی دریابد که سر از رکوع برداشته، باید با او به سجده رود، اما این سجده برای او محسوب نمی‌شود.

این روایت که از نظر سند صحیح و معتبر است نیز بیانگر آن است که اگر مأوم رکوع امام را از دست بدهد و در حالی که جماعت بپیوندد که امام از رکوع برخاسته و به سجده می‌رود، می‌تواند به همراه امام به سجده رود؛ اما این سجده از نظر شرعی برای مأوم رکعت محسوب نمی‌شود. همچنین، روایت بر لزوم هماهنگی کامل مأوم با امام تأکید دارد؛ به گونه‌ای که اگر مأوم در حرکتی از حرکات نماز (مانند سجده) پیش از امام اقدام کند موظف است آن حرکت را اصلاح کرده و با امام همراه شود.

۲/۲/۱. نقد و بررسی تخییر بین فرادی انتظار و تبعیت

روایات معلى بن خنيس از دیدگاه مرحوم خویی فاقد وجاهت سندی برای استناد است (خوئی، ۱۴۱۸، ج ۱۷، ص ۱۱۷) این اشکال طبق مبنای دیگری از فقها مبنی بر جبران ضعف سند با عمل مشهور پاسخ داده شد؛ بنابراین می‌توان به آن استناد کرد و با توجه به روایات دیگر تردیدی باقی نمی‌ماند که مکلف می‌تواند در حالت بعد از رکوع به نماز جماعت بپیوندد و لازمه اقتدا در هر حالت، پیروی از امام است. در نتیجه باید سجده‌ها را نیز با امام به جای آورد البته تا رکعت بعد جزو نماز وی محسوب نمی‌شود. طبق این روایات نظریه فوق قابل دفاع خواهد بود.

۲،۳. دیدگاه بطلان

همان گونه که در کلمات فقها از حاشیه عروه مطرح شد یکی از دیدگاه هایی که در کلمات وجود دارد بطلان اصل نماز است (فیروز آبادی در العروه المحشی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۳۶) دلیلی در کلمات بر این دیدگاه یافت نشد. ولی به نظر می رسد این دیدگاه بر عدم جواز خروج از نماز جماعت استوار است به این بیان که شخصی که نیت اقتدا به نماز جماعت می کند مجاز به خروج از آن نیست و باید به نماز جماعت ادامه دهد.

اولا اصل مبنا نیازمند تأمل است و بسیاری از فقها خروج از جماعت را به خصوص در موارد ضرورت جایز می دانند.

ثانیا برخی گفته اند: حتی بر فرض پذیرش مبنای مذکور نیز نمی توان این نماز را باطل دانست؛ چرا که عدم جواز خروج در فرضی است که شخص به امام جماعت ملحق شده و جماعت برای وی شکل گرفته باشد ولی در این حالت شخص به نماز جماعت وارد نشده است که از آن خارج گردد.

البته ناگفته پیداست در صورتی که شخص از امام جماعت پیروی کند و به همراه وی به سجده رود دلیلی بر عدم صدق نماز جماعت برای وی وجود ندارد؛ چرا که عدم درک رکوع شرط شمارش رکعات نماز جماعت است نه درک اصل جماعت. حاصل اینکه در فرضی که شخص صرفا به نیت الحاق به نماز جماعت تکبیر گفته ولی در عمل موفق به پیروی از امام نشده حقیقت اقتدا محقق نشده است در این صورت شخص حتی طبق مبنای مذکور نیز می تواند نیت خود را تغییر داده و نماز را به صورت فردی به جای آورد ولی اگر از امام تبعیت کند در این صورت هم نماز وی صحیح خواهد بود و هم جماعت وی.

۲،۴. دیدگاه تعیین انتظار

دیدگاه تعیین بر انتظار که در حاشیه عروه مورد پذیرش مرحوم بروجردی و گلپایگانی قرار گرفت (بروجردی و گلپایگانی در العروه الوثقی (المحشی)؛ ج ۳، ص ۱۳۶)

این دیدگاه بر این منطق استوار است که اولاً خروج از نماز جماعت جایز نیست در نتیجه امکان فردی شدن نماز وجود ندارد و ثانیا تبعیت از امام جماعت در سجده ها نیز با اشکال اضافه شدن رکن نماز مواجه است.

پاسخ نکته اول گذشت. پاسخ نکته دوم نیز این است که اضافه کردن سجده یا دو سجده در صورتی که به دلیل تبعیت از نماز جماعت باشد بی اشکال است مگر نه اینکه اضافه کردن رکوع به دلیل تبعیت از امام بی اشکال است (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۵۷) و این از روایاتی که بیان شد نیز به خوبی قابل استفاده است.

۲،۵. تعیین فرادی

دیدگاه دیگری که از برخی نقدها قابل برداشت این است که در فرض مسئله تنها به صورت فرادی نماز مکلف صحیح است. همانگونه که قبلاً بیان شد مرحوم حائری یزدی فرادی شدن نماز را مطابق قاعده می‌داند و می‌نویسد: دلیل این امر این است که شخص وظیفه جماعت را انجام نداده است. (حائری یزدی، ۱۴۰۴، ص ۴۶۵) آیت الله فیاض هم فقط فرادی را صحیح دانست. (فیاض، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۵) در میان معاصرین آیت الله مکارم نیز میل به همین فتوا دارد وی در تعلیقه عروه می‌نویسد: «لا یُترک الاحتیاط باختيار هذا الشقّ» و ظاهر عبارت نیز احتیاط واجب است (رک: مکارم شیرازی در العروة الوثقی مع التعليقات، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۶۵۸). اشکال این نظریه نیز طبق نکات سابق الذكر روشن است.

نتیجه‌گیری

تبعیت مأموم از امام در افعال نماز جماعت، واجب است و دلیل بر این وجوب، متفاهم عرفی مفهوم اقتداء و روایات است. ولی نسبت به تبعیت در حالتی از نماز جماعت اختلاف وجود دارد و آن فرضی است که شخص در حالت رکوع امام اقتدا می‌کند ولی قبل از خم شدن امام از حالت رکوع خارج می‌گردد در این حالت نظر فقها نسبت به وظیفه مأموم اختلاف دارند. پژوهش حاضر با درنگ در ادله و روایات موجود به این نتیجه دست یافت که با عنایت به مفهوم ائتمام که مقتضای آن تبعیت عرفی از امام است مأموم علاوه بر امکان نیت فرادی در فرض مسئله می‌تواند از امام تبعیت کرده و به نماز جماعت به صورت عملی ادامه دهد به عبارت در سجده ها و بقیه نماز با امام همراهی کند در این حالت ائتمام صادق است و اضافه رکن سجده ها مانعی ایجاد نمی‌کند البته تا قبل از رکعت بعد امام جزو رکعات مأموم محسوب نمی‌گردد در نتیجه دیدگاه مشهور مبنی بر امکان انتظار در حالت ایستاده برای الحاق به جماعت در رکعت بعد به دلیل عدم صدق تبعیت عرفی مردود است. حاصل آنکه در فرض مورد گفتگو مأموم مخیر است یا نماز خود را به صورت فرادی ادامه دهد و در صورتی که قصد درک نماز جماعت را دارد باید بر اساس نیت اقتدا از امام تبعیت کرده و به سجده رود.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۹ق)، لسان العرب، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۶ق)، فرائد الأصول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه

المدرسين بقم.

۳. ايروانی، باقر (۱۴۲۳)، دروس تمهيديه في الفقه الاسلامي، قم: نشر بوستان كتاب.
۴. بحرانی، يوسف (۱۴۰۹ق)، الحدائق الناظرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامية.
۵. ترحینی عاملی، سيد محمد حسين (۱۴۲۷ق)، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، دار الفقه للطباعة و النشر، قم، چهارم.
۶. جمال، جمال الدين (۱۴۰۰)، شرايط، احكام و آثار نماز جماعت از دیدگاه مذاهب پنج گانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، واحد گرگان.
۷. حائری یزدی، عبد الكريم (۱۴۰۴ق)، كتاب الصلاة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲ق)، وسائل الشیعه، تهران: مكتبة الاسلاميه.
۹. حسینی، سيد محمد (۱۳۹۳)، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، تهران: نشر سروش.
۱۰. حکیم، سيد محسن طباطبائی (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ جلد، قم: مؤسسة دار التفسیر، اول.
۱۱. حلبی (ابن زهره)، حمزة بن علی (۱۴۱۷ق)، غنیة الى علمی الاصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۲. حلبی، ابوالصلاح (۱۳۸۷ش)، الكامل في الفقه، قم: نشر بوستان كتاب.
۱۳. حلّی، علامه، حسن بن يوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب في تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، اول.
۱۴. حلّی، علامه، حسن بن يوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۱۵. حلّی، محقق، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، المعبر في شرح المختصر، قم: مؤسسسه سيد الشهداء.
۱۶. حلّی، محقق، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع، قم: مؤسسسه المطبوعات الدينيه.
۱۷. خمینی، سيد روح الله موسوی (بی تا)، تحرير الوسيلة، مؤسسسه مطبوعات دار العلم، قم، اول.
۱۸. خویی، سيد ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئی، قم: مؤسسسه إحياء آثار

- الإمام الخوئي ره، اول.
۱۹. زبیدی، محب الدين (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
۲۰. زندی، فريبا (۱۴۰۲ق)، احكام و شرايط نماز جماعت در فقه اهل سنت، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه کردستان.
۲۱. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحكام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
۲۲. شوشتری، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، النجعة فی شرح اللمعة، ۱۱ جلد، تهران: کتابفروشی صدوق، اول.
۲۳. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طباطبائی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، ۱۶ جلد، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، طهران: المكتبة المرتضویه.
۲۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم.
۲۷. عاملی کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۸. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (۱۳۷۷ش)، ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت.
۲۹. علیزاده، علی (۱۴۰۱ق)، نماز جمعه و نماز جماعت از منظر قرآن و روایات، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، دانشگاه مجازی المصطفی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۱. فیروزآبادی، مجدالدین محمد (۱۴۲۸ق)، قاموس المحيط، بیروت: دار الفکر.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، مصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجرة.
۳۳. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ۸ جلد، تهران: دار الكتب الإسلامية.

چهارم.

۳۴. نائینی، محمدحسین (۱۳۵۵ق)، فوائد الاصول، قم، جامعه مدرسین.

۳۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۶. نراقی، احمد بن محمد (۱۳۸۶)، عوائد الایام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۳۷. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۵)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، تهران: موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.

۳۸. یزدی طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۴۲۰ق)، العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.

۳۹. یزدی طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی (المحشی)، ۵ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.

۴۰. یزدی طباطبائی، سید محمد کاظم (۱۴۲۸ق)، العروة الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، اول.

انتشارات